



۲۰۱۸/۱۱/۲۳



حنیف رهیاب رحیمی

ظاهر شاه در چهل سال سلطنتش برای افغانستان چه کرد؟



قسمت دوم

به ادامه گذشته:

سیستم مخابرات، مراسلات و مواصلات:
با شروع حکومت نادرشاه ارتباط مخابراتی پایتخت با مراکز مهم ولایات افغانستان برقرار می شود. در دوره "شاه" نیز تلفون در افغانستان توسعه می یابد.

در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی، وزارت مخابرات افغانستان اقدام جدی را برای توسعه تلفون در کشور آغاز می کند و با شرکت های بین المللی وارد مذاکره می شود. در همین سال یک دستگاه ۱۳۰۰ لینی اتومات ریلی از شرکت بیل (Bell) خریداری و در کابل نصب می شود. چندی بعد، دولت برنامه های انکشافی را در مورد تجارت و زراعت روی دست می گیرد. برای این منظور، وزارت مخابرات در سال ۱۳۳۳ شمسی یک دستگاه ۵۰۰۰ لینی (خطی) اتومات را از شرکت زیمنس آلمان خریداری می کند که این دستگاه ۳ سال بعد در کابل فعال میشود.

تبصره: در سال های دهه ۹۰ ما برای یک تلفون کردن باید به پاکستان میرفتیم!!!

عضویت در اتحادیه جهانی پست:

در سال ۱۹۲۸، افغانستان به عضویت اتحادیه بین المللی پست در آمد. در این دوره، برای اولین بار ارسال هوایی بسته های پستی به خارج از افغانستان آغاز شد. همچنین علاوه بر نامه های پستی، پست کارت ها، مجلات، اوراق تجاری و بسته های سبک وزن دیگر نیز به داخل و خارج از افغانستان ارسال می شد.

ارتقا ریاست پست افغانستان به وزارت:

پسته خانه در دوران حکومت ظاهر شاه جهش ها و پیشرفتهای مهمی در امر خدمات پستی در افغانستان بوجود آمد ارتقا ریاست پست و تلگراف و تلفن به وزارت، از مهم ترین کارهایی بود که در این زمان اتفاق افتاد. در این دوره، ضمن ارسال بسته های سنگین وزن که تا ۲۰۰ کلیو گرم وزن داشت، نامه رسانی در داخل کشور نیز سرعت یافت.

ارتباط پستی با خارج افغانستان نیز به صورت چشمگیری افزایش یافت و میان کابل و شهرهای بزرگ دنیا مثل مسکو، دهلی، فرانکفورت، هامبورگ، امستردام، نیویورک، پاریس، ژنو، روم، بیروت، قاهره، توکیو، انقره، صوفیه، پیکنگ، تهران، اسلام آباد و کراچی ارتباط پستی هوایی برقرار شد.

از سال ۱۳۳۵ شمسی پست هوایی در داخل خود افغانستان نیز فعال شد و ارتباط میان شهرهای کابل، هرات، مزارشریف، قندهار و میمنه برقرار شد.

از سال ۱۳۳۵ ه.ش، پست هوایی در داخل خود افغانستان نیز فعال شد و ارتباط میان شهرهای کابل، هرات، مزارشریف، قندهار و میمنه برقرار شد.

طبق پلان پنج ساله، وزارت مخابرات موظف شد هر سال حدود ۳۰ پسته خانه محلی در دیگر ولایات و شهرهای افغانستان تأسیس کند.

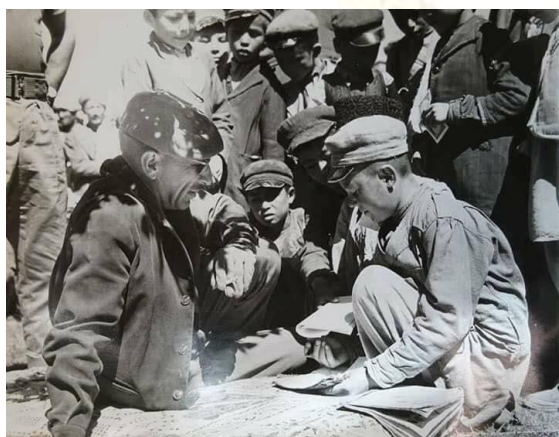
معارف در دوره ظاهر شاه:

دوران چهل ساله سلطنت " (۱۳۵۲-۱۳۱۲) از لحاظ تأثیر و تحولات سیاسی می توان به طور کلی به دو دوره تقسیم کرد که بر تعلیم و تربیت نیز اثر گذار بود. دوره اول از سال ۱۳۱۲ش بعد از قتل "نادرشاه" شروع می شود و تا سال ۱۳۴۲ هجری شمسی ادامه یافت. دوره دوم از سال ۱۳۴۲ هجری شمسی آغاز می شود که تا سال ۱۳۵۲ هجری شمسی که آخرین سال سلطنت ظاهر شاه بود، استمرار پیدا کرد.

از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۵۲ یکی از تصمیمات هاشم خان، صدور فرمان تدریس به زبان پشتو در کلیه مکاتب سراسر کشور بود که به مدت بیش از ده سال ادامه داشت در سال ۱۳۲۵ قانون اساسی جدید شکل گرفت که بر اساس آن تعلیمات ابتدای اجباری شد و تدریس علوم اسلامی هم مجاز گردید.

تبصره:

آیا معارف و تحصیلات عالی در اکثر مطلق ملل جهان به یک زبان ملی نیست؟ آیا در دور دست ترین نقطه کشورهای همسایه ما، تدریس در مکاتب به یک زبان رسمی و ملی صورت نمیگیرد؟ آیا ما دری زبانان افغانستان باید مدیون این خاندان نباشیم که زبان خود (پشتو) را برای تحکیم وحدت ملی و ملت سازی قربانی نمود؟



در این دوره نسبت به دوره قبل معارف رشدی خوبی داشت. دولت به وزارت معارف ابلاغ کرد که از سال ۱۳۲۶ تدریس به زبان دری باز گردد و به این ترتیب در مناطق پشتو زبان، تدریس به زبان پشتو بود و در مناطق دری زبان، تدریس به زبان دری انجام می شد. در مجموع، تعداد کل مکاتب در سال ۱۳۲۲ به ۶۲۷ مکتب ابتدای، متوسطه، لیسسه و مسلکی (فنی- حرفه ای) رسید که در این مکاتب تعداد ۱۱۲۴۵ شاگرد دختر و پسر تحصیل میکردند و تعداد ۳۴۴۱ معلم مرد و زن، امر تدریس را به عهده داشتند.

پادشاه روی خاک نشسته

با یکی از فرزندان افغانش از وضع معارف بازرسی می کند

پس از تنفیذ قانون اساسی جدید، قانون معارف تدوین و تنظیم گردید که اساس آن تعلیم و تربیت بر مبنای آن شکل گرفت. اهداف اساسی قانون معارف در یازده ماده بود که ماده اول و دوم آن راجع به اهداف بود:

- ۱- مطابق ماده ۳۴ قانون اساسی، تعلیم و تربیت حق مشروع هر تبعه ای افغانستان است که بصورت مجانی باید مهیا گردد. هدف دولت اینست که امکانات مناسب تعلیمی را برای افراد، مطابق استعدادشان فراهم آورد.
- ۲- اهداف اساسی فعالیت های تعلیمی، انکشاف استعدادهای جسمی، روحی و معنوی افراد و تغذیه احساس وطن پرستی و بشری، وفاداری به سلطنت، تزریق و تلقین نمودن احساس مسؤلیت فردی و اجتماعی برای پیشرفت و ارتقای کشور، صلح و سلام در دنیا و تقویت همکاری بوده است.

تحصیلات عالی:

سابقه تحصیلات عالی در افغانستان به حدود ۷۵ سال پیش می رسد. بنیاد تعلیمات عالی در واقع در دوران نادر شاه و ظاهر شاه گذاشته شده است، نادر شاه برای نخستین بار فاکولته طب را در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی پایه گذاری کرد و "ظاهرشاه" بانی واقعی پوهنتون کابل در سال ۱۳۲۵ بود و گفته میشود که زمین پوهنتون کابل ملکیت شخصی "ظاهرشاه" بود و برای پوهنتون وقف گردیده است.

پوهنتون کابل شامل پوهنخی های طب، انجینری، حقوق، شرعیات، ادبیات، شرعیات، تعلیم تربیه، فارمسی، علوم طبیعی، زمین شناسی و پوهنتون پولی تخنیک کابل، لیسه های حبیبیه، استقلال، امانی، رابعه بلخی، عایشه دورانی، ملالی، نادریه، غازی، و ده ها لیسه مسلکی، لیلیه های شبانه در کابل، ده ها لیسه در ولایات پروان، مزار شریف، هرات، ننگرهار، قندهار و همه ولایات افغانستان در زمان ظاهر شاه ساخته شده است. پوهنتون ننگرهار دارای تمام پوهنخی های ضروری بود.

انستیتیوت انجینری پولی تخنیک:

پوهنتون های عالی و نیمه عالی در اکثر ولایات افغانستان فعال شدند، مکاتب و پوهنتون های نظامی شامل تمام بخش ها در افغانستان رشد فوق العاده داشت.

تبصره:

با همان ناتوانی اقتصادی آنزمان کشور عزیز ما افغانستان، ظاهرشاه با درک واقعینانه از ضرورت جامعه باسواد و سالم، تمامی خدمات تعلیمی، تحصیلی و خدمات صحیح را رایگان ساخت، امروز بازهم تکرار میکنیم که باحضور نزدیک به ۵۰ کشور و سرازیر شدن طوفان پول در افغانستان، منتقدین همیشگی و مدعیان ترقی و انکشاف از عهده فراهم کردن خدمات معارف، تحصیلات عالی و خدمات صحیح رایگان برای هموطنان ما عاجز اند...

هوانوردی و میدان های هوایی:

در اوایل سال ۱۳۳۴ بر اساس اصولنامه سرمایه گذاری از طرف شرکت هوایی آریانا با (۵۱ فیصد) سرمایه از طرف دولت افغانستان و (۴۹ فیصد) از طرف کمپنی اندیمار (که بعداً جای آنرا پان امریکن گرفت) طیاره های نوع داکوتا در خطوط داخلی و خارجی به کار انداخته شد.

این طیاره ها که ظرفیت ۳۰ نفر را داشت علاوه بر مسافرین برای حمل و نقل اموال تجارتي نیز به کار برده می شد. در اواخر سال ۱۳۳۵ ریاست هوایی ملکی یک مؤسسه رسمی دولتی تأسیس گردید. اولین اقدام این ریاست پس از تأسیس امضاء قرارداد مشترک هوانوردی با پاکستان و ترکیه بود و اقدام دومی آن احداث میدان هوایی بین المللی قندهار بود. جایی که برای تأسیس میدان هوایی قندهار اختصاص داده شده بود در ۱۸ کیلومتری جنوب شهر قندهار در مسیر راه سپین بولدک واقع شد.

میدان هوایی قندهار نظر به موقعیت مناسبی که داشت و دارد فاصله میان تهران و دهلی را نسبت به مسیر میدان هوایی کراچی ۵۰۰ مایل کوتاه می نماید و فاصله گرداگرد خطوط هوایی آسیا را به اندازه کافی کم می نماید. در سال ۱۹۶۳ میدان هوایی بین‌المللی کابل عملاً برای پرواز های داخلی و خارجی آماده گردید. موقعیت کابل به حیث مرکز کشور ایجاب می نمود پرواز های خارجی به جانب هند و پاکستان ایران لبنان و اروپا و همچنان پرواز های داخلی به شهر های کوچک و بزرگ به طور عملی انجام شود. علاوه بر آن میدان هوایی کابل آخرین نقطه پرواز شرکت ایرفلوت روسیه بود و هنوز هم است که از مسکو حرکت میکرد و با خطوط هوایی اروپا ارتباط پیدا می نمود. به همین ترتیب در دیگر ولایات افغانستان هم میدان های هوایی عصری و پیشرفته تأسیس شد و پرواز های داخلی به شهر های مختلف افغانستان عمومیت پیدا کرد.

در سالهای ۶۸-۱۹۶۷ موسسه هوایی باختر افغان در چوکات ریاست هوایی ملکی تأسیس گردید و دو فروند طیاره تیربوجت از کانادا خریداری شد. همزمان در شهر های کوچک نیز کار ساخت میدانهای هوایی آغاز گردید و شهر هایی مثل ارزگان بدخشان تالقان بامیان غور و نیمروز که از پایتخت و مراکز صنعتی دور مانده بودند راه پیشرفت برای شان مهیا شد. شرکت هوایی آریانا در ابتدا با دو فروند طیاره از نوع داکوتا DC-۳ به فعالیت آغاز نمود بعداً فعالیت خود را با دو فروند طیاره DC-۶ دو فروند DC-۴ چهار فروند DC-۳ یک فروند طیاره ۴۰۴ نوع کالویر و یک فروند طیاره مسافربری جت بوئینگ ۷۲۷ کار خود را ادامه داد.

خطوط مهم هوایی افغانستان:

- خط کابل مزار شریف میمنه هرات.
- خط کابل قندهار هرات.
- خط کابل کندز مزار شریف هرات.

در افغانستان کمپانی های خارجی زیادی فعالیت داشتند که به قرار زیر بودند:

- کمپانی ایرفلوت روسیه که با استفاده از طیاره های نوع الوشن پروگرام هفته وار به افغانستان داشت که پس از توقف در تاشکند به مسکو پرواز می کرد.
- کمپانی هوانوردی هند که دارای طیاره های نوع جت بوئینگ بود و به طور منظم هفته ای یکبار به کابل پرواز می کرد.
- کمپانی هوانوردی ایران (هما) با طیارات نوع جت بوئینگ خود دوبار در هفته به کابل پرواز دارد. شرکت هوانوردی پاکستان (P.I.A) هفته ای دوبار از طریق پیشاور- لاهور و کراچی به کابل پرواز می کرد.
- شرکت هوایی بیروت (I.M.A) با استفاده از طیارات DC-۶ و DC-۴ هفته ای دوبار میان کابل و بیروت بالایی خط هوایی پرواز می کردند و به طور عموم اموال تجارتي را انتقال می داد.

خطوط هوایی در پیشرفت و رونق تجارت سهم مهمی دارد و هیچ کشوری نمی تواند بدون توجه به آن به فکر پیشرفت در اقتصاد و یا هر زمینه دیگری باشد.

زمانی افغانستان یکی از دو بزرگترین طیاره های دی سی ۱۰ جهان را در دست داشت، که بالاخره توسط رژیم مابعد به سبب عدم موجودیت ظرفیت برای به کار انداختن آن طیاره غول پیکر آن را به فروش رسانیدند.

تبصره:

در زمان سلطنت و رهبری ظاهر شاه امکانات افغانستان در تمام عرصه ها به مراتب بهتر از امروز بوده است... باوجود انکشاف سریع جهان در سال های اخیر از اثر پیشرفت برق آسای تکنالوژی، باز هم امکاناتی را که افغانستان در دهه

شست داشته با شرایط امروزی که ۴۹ کشور برای مدت بیشتر از ۱۵ سال در افغانستان حضور فعال دارند و به صد ها میلیارد دالر بدون حساب به افغانستان سرازیر شده است خوب قابل مقایسه می باشد.

"تورن اسماعیل" وزیر سابق آب و برق افغانستان با مصرف ده ها میلیون دالر برای شهر کابل جنراتورهای فرسوده را از ایران خریداری کرد که هیچ استفاده از آن صورت نگرفت و ثروت ملی به باد فنا رفت. بعداً بیشتر از هزار میلیون دالر را بالای ۶۰۰ خاده برق با طول ۴۶۲ کیلومتر کبیل به مصرف رسانید تا بتواند صرف شهر کابل را برق بدهد که باز هم افغان ها باید به پیشانی "اسلام کریموف" رئیس جمهور ازبکستان ببینند که چی وقت فاز را خاموش میکند.

"اسماعیل" وزیر اسبق انرژی و آب، روزی برای حق به جانب وانمود کردن خویش در پسمانی کارها و نداشتن دست آورد میگوید:

" تعمیر یک بند برق که تنها استفاده تولید برق از آن صورت بگیرد حد اقل ۹ تا ۱۰ سال کار ضرورت دارد ولی اگر قرار باشد برای آبیاری زمین ها هم استفاده شود یعنی کانال کشی شود باید حد اقل ۱۴ تا ۱۵ سال برای تکمیل کردن آن زحمت کشید "

شاهراه سالنگ که در زمان ظاهر شاه ساخته شد، امروز از ترمیم آن تمام ملت جهان عاجز مانده اند، امریکا و جاپان از ترمیم سرک کابل هرات به حیث یک دستاورد بزرگ شان در آبادی افغانستان یادآوری می کنند، در حالیکه این سرک ۵۰ سال قبل مورد استفاده قرار گرفته بود.

وزارت مخابرات از کمپنی های شخصی که با سهل شدن پروژهای تلفونی در افغانستان سرمایه گذاری کردند به حیث دستاورد بزرگ در عرصه مخابرات یاد آور می شود، در حالیکه در زمان شاه "، تعداد زیادی از ولایات حتی مراکز ولسوالی های افغانستان به سیم ها و پایه های تلفون به مرکز وصل شده بودند.

حکومت افغانستان از دیموکراسی سمبولیک و صرف به نام این دوره به حیث دستاورد بزرگ یادآوری می کند، در حالیکه ملت افغان شاهد دیموکراسی و آزادی بیان به مراتب کاملتر از امروز در زمان "ظاهرشاه" در دهه دیموکراسی می باشند.

ایجاد سیستم بانک داری:

در طول سلطنت پادشاهان افغانستان سود جوئی از طریق پول با پول حرام و خلاف شریعت اسلامی پنداشته می شد. بدین لحاظ رسماً هیچ بانکی الی سال ۱۳۱۲ وجود نداشت. مال شاهی در خزانه شاهی حفظ می شد. مردم سرمایه خود را خود حفاظت می نمودند در بسا شهرها از طرف یک فامیل بزرگ امانت خانه ها ساخته می شد که فقط پول بدون سود حفاظت می شد. یک تعداد صرافان که وجود داشتند به نام سود خور دوزخی یاد می شدند که در اجتماع به نام حرام خور جای داشتند. پس از ورود انگلیس تعداد صرافان هندی بین افغانستان هندوستان فعالیت می نمودند. پول های باارزش وقت سکه اشرفی (طلا عربی) نقره نیکلای (نقره اصل روسی) رویه هندی و پوند انگلیسی بود. تبادل این نوع پول ها در تجارت و رفتن به حج و سفرها صورت می گرفت. این صرافان بیشتر در بازارهای کابل و قندهار فعالیت داشتند اسعار مورد ضرورت دولت نیز از همین صرافان خریداری می گردید، این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۱۱ با ابتکار یکی از تاجران ملی عبدالمجید "زابلی" شرکتی را به نام شرکت سهامی هاشمی تأسیس نمود که بعداً در ماه ثور سال (۱۳۱۲ هـ ش) این شرکت سهامی به نام بانک ملی افغان مسمی و بحیث اولین بانک در افغانستان عرض وجود کرد. در ابتدا این بانک به عنوان یگانه بانک در کشور وظایف بانک مرکزی را هم پیش می برد و به گذشت زمان هر روز وظایف و فعالیت های این بانک توسعه می یافت و در سلسله همین انکشافات دومین بانک در افغانستان به عنوان بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک) به تاریخ ۱۳۱۸/۱۱/۱۷ به سرمایه ابتدائی ۱۲۰ میلیون افغانی در پایتخت کشور (شهر کابل) افتتاح شد که بعداً در سال ۱۳۵۴ سرمایه د افغانستان بانک به یک میلیارد افغانی ارتقاء کرد که این رقم در ماده هشتم (۸) قانون (۱۳۷۳) پول و بانکداری ۱۰ میلیارد افغانی نشان داده شده است. نظام بانکداری در افغانستان با تأسیس بانک ملی

توسط محترم "زابلی" پا به عرصه وجود گذاشت چنانچه قبل از تأسیس د افغانستان بانک، بانک ملی امور بانکداری دولتی را نیز پیش میبرد که بعد از تأسیس د افغانستان بانک وظایف بانکداری دولتی به د افغانستان بانک واگذار گردید. چاپ و نشر پول از بانک ملی به د افغانستان بانک سپرده شد که د افغانستان بانک توانست تحولات و انکشافات بزرگی را در رابطه به چاپ و نشر پول افغانی بوجود آمد.

صحت عامه:

قبل از دوره اعلیحضرت محمد نادر خان و اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، طبابت در افغانستان صفر بود و هیچ نوع خدمات طبی در سراسر کشور وجود نداشت. در اواخر سلطنت امیر حبیب الله خان سراج الملت یک طبیب هندی به نام "علی جویا خان" به افغانستان استخدام شد که در حقیقت طبیب دربار و مصروف معالجه خاندان سلطنتی و بعضی اشخاص معتبر (سرشناس وقت) بود.

با سر کار آمدن این خاندان وطندوست در افغانستان شاهی تغییرات چشمگیری در بخش صحیه رونما گردید اعمار شفاخانه های علی آباد، سناتوریم و تأسیس فاکولته طب یکی از دست آورد های مهم این دوره است. همچنان تأسیس مکتب طبی معاون داکتری، مکتب کمپودری، تأسیس مکتب نرسنگ و استخدام دکتوران متخصص از دولت دوست ترکیه را نیز می توان از انکشافات و اولین گام در راه احیای طبابت در افغانستان محاسبه کرد. شفاخانه علی آباد در دامنه کوه علی آباد با ۶۰۰ بستر دارای بخش های داخله، جراحی، سناتوریم، جلدی، چشم، عقلی عصبی، گوش و گلو و انتانی در سال ۱۳۱۱ افتتاح گردید. و برای طبقه انات شفاخانه مستورات (میوند امروزی) با شعبات مربوطه آن تأسیس گردید که بعد از تأسیس فاکولته طب به حیث شفاخانه های تدریسی و به نام مؤسسات صحی پوهنتون فعالیت می نمود.

در سال ۱۳۱۱ فاکولته طب تأسیس شد که در پهلوی آن مکتب عالی دوا سازی نیز در همین سال تأسیس گردید. این پوهنخی و مکتب عالی توسط ۱۷ نفر پروفیسوران ترکی و یک استاد داخلی کیمیا به نام انور علی در دارالامان که به نام دارالفنون معروف بود، مصروف تدریس شدند، که از جمله ۱۷ نفر پروفیسوران ترکی ۱۱ نفر آن استادان دوا سازی و رشته کیمیا بودند.

اولین دسته فارغان در سال ۱۳۱۶ به تعداد هشت نفر از فاکولته طب و دو نفر از مکتب دوا سازی به جامعه تقدیم شد. در سال ۱۳۴۳ شفاخانه وزیر اکبر خان افتتاح و بخش اورتوپیدی شفاخانه علی آباد به وزیر اکبر خان انتقال داده شد. یکی از اقدامات علمی و قابل تحسین آنزمان نشر افغان طبی مجله در بین سال های (۱۳۳۵) در هر سه ماه به صاحب امتیازی فاکولته طب وقت بود که با محتویات علمی بسیار عالی در شرایط همان زمان نشر می گردید.

کار اعمار شفاخانه مرکزی اردو در آنزمان به نام ظاهرشاهی مرکزی روغتون (چهارصد بستر) مورد توجه خاص دولت وقت و مواظبت سران دولتی قرار داشت چنانچه روز سه شنبه ۱۲ جدی ۱۳۵۱ محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان از جریان اعمار شفاخانه دیدن نموده و محمد موسی شفیق صدراعظم وقت به تاریخ ۱۹ جدی سال مذکور از کار ساختمانی شفاخانه دیدن نمود. گفته می شود که شفاخانه ۴۰۰ بستر یکی از بزرگترین مراکزی طبی در سطح منطقه در آنزمان شمرده میشد. در تمام ولایت افغانستان شفاخانه های مرکزی ایجاد شد، صد ها کلینیک در سطح ولایات و ولسوالی ها ایجاد گردید. درکابل همان شفاخانه های که تا امروز فعال هستند همه از زمان بابای ملت باقی مانده و توانسته با سپری نمودن همه ناملایمات و طوفان های برباد کن همچنان فعال و ایستاده بمانند. شفاخانه جمهوریت، شفاخانه ابن سینا، شفاخانه میوند، شفاخانه صحت طفل اندر آگاندی، شفاخانه وزیر اکبر خان و علی آباد، ملالی زیژنتون، شفاخانه رابعه بلخی، شفاخانه انتانی را میتوان بطور نمونه یاد آوری نمود.

اکنون دولت از خدمات رایگان آن احساس ناتوانی می کند، صرف دوکتوران به طور رایگان خدمات را با کیفیت پائین برای مردم ارائه می کنند ولی اثری از ادویه وجود ندارد. اکنون مسئولین دولت در پی خصوصی سازی این شفاخانه ها هستند تا بتوانند فشار را از بالای شانه های شان کم نمایند و وضعیت مردم بیچاره را ازین هم بدتر نمایند. بیائید سر های خود را در گریبان کرده و حق را حق و باطل را باطل بگوییم تا در دنیا وجدان ما راحت باشد و در آخرت شرمسار نباشیم.

پایان

بخش اول این نوشته عالی را با کمک لینک آتی مطالعه کرده می توانید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rayab_hr_zahershah_dar_tshel_sal_tshe_kard_۱.pdf



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

